**خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۵)، زمستان ۱۳۹۵**
**Scientific Research Journal Of Great Khorasan: Vol.7, No.25, Winter 2017**

# بررسی نقش پناهگاهی قهستان در سده اول و دوم هجری با تکیه بر مکان گزینی مهاجرت زرتشتیان

**رضا خزاعی**[۱]
**حسین کوهستانی اندرزی**[۲]
**مریم کامیار**[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸
شماره صفحات: ۹۶-۸۹

## چکیده

منطقه قهستان که امروزه بخش‌های عمده آن در محدوده‌ی استان خراسان جنوبی واقع‌شده است، همواره در طی تاریخ دارای جایگاه خاصی به لحاظ سیاسی و جغرافیایی بوده است. قهستان تاریخی، مشتمل بر چند قصبه و ناحیه بزرگ بوده که این منطقه را به لحاظ ژئوپولتیکی متمایز از سایر نواحی شرق ایران نموده. در منابع تاریخی سخن از مهاجرت‌های بزرگی به این ناحیه شده است. مهاجرت اعراب در قرون اول و دوم هجری، همچنین مهاجرت بزرگ زرتشتیان در قرون ابتدایی اسلامی، سخن به میان آمده است. بررسی منطقه قهستان از آن لحاظ دارای اهمیت می‌شود که این ناحیه همواره در طی تاریخ پناهگاه و مأمن مناسبی برای اقلیت‌هایی بوده است که در سایه امنیت و انزوای جغرافیایی قهستان به حیات خود ادامه داده‌اند. با توجه به بررسی‌های صورت پذیرفته و با نگاهی به تاریخ قهستان، این ناحیه را می‌توان پناهگاهی امن برای اقلیت‌ها سیاسی و مذهبی در طول تاریخ دانست. چراکه همواره در قرون متمادی بستر سکونت اقوام و پیروان مسالک و مذاهب مختلفی بوده است. در این مجال به روشن شدن بخشی از تاریخ قهستان و جایگاه این منطقه در پذیرش مهاجرین مختلف پرداخته‌شده است. این پژوهش به این سؤالات پاسخ خواهد داد که اولاً علل انتخاب قهستان به‌عنوان مقصد مهاجرت چیست؟ و ثانیاً انتخاب قهستان به‌عنوان پناهگاه و مأمن برای زرتشتیان را چگونه می‌توان به سایر مهاجرت‌ها به این خطه تعمیم داد؟ پژوهش حاضر با روش، تحلیلی توصیفی، به بررسی اجمالی مهاجرت زرتشتیان و در پی آن با تأکید بر مکان‌گزینی و تعیین مسیر این مهاجران در راه سفر به هند با استفاده از منابع موجود، اهمیت قهستان را در این انتخاب تاریخی، روشن می‌نماید و بکر بودن و انزوای جغرافیایی این سرزمین را در طول تاریخ عامل مهمی در انتخاب مقصد مهاجرت‌های مذهبی به‌منظور پناهندگی درمی‌یابد.

**واژگان کلیدی:** قهستان، مهاجرت زرتشتیان، قرون ۱ و ۲ هجری، پناهگاه.

[۱]. کارشناس ارشد ایران‌شناسی- تاریخ. Rezakhazai@yahoo.com
[۲]. دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی و استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند.
[۳]. دکتری پژوهش هنر و استادیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران. تهران.

## مقدمه

با ورود اعراب به ایران علاوه بر تحولاتی که در زمینه‌های سیاسی و مذهبی صورت گرفت تحولات اجتماعی بزرگی را نیز در پی داشت. جمع کثیری مسلمان شدند ولی در این خیل عظیم، گروهی به همان دین قبلی باقی ماندند و عده‌ای دیگر با هدف حفظ آداب‌ورسوم پیشین از سرزمینشان مهاجرت کردند. مقصد این مهاجران ایرانی، هند، چین و یونان بود، ولی در این هجرت، مهاجران به هند رفته، توانستند هویت ملی خود را حفظ نمایند و ایرانی باقی بمانند. این مهاجران تحت تأثیر روحیه مسالمت‌آمیز خود و هندوها توانستند با تعاملات خاص، هویت باستانی را حفظ نموده، روند قبلی خود را در هند ادامه دهند.

اما مبحث مورد نظر در این پژوهش، ارتباط مستقیم جایگاه جغرافیایی، سیاسی و مذهبی ناحیه قهستان در این انتخاب بزرگ برای مدت نزدیک به یک قرن است. بررسی این جایگاه به لحاظ شاخصه‌های ذکرشده هدف اصلی این پژوهش خواهد بود. پرداخت موشکافانه، در تاریخ سیاسی و مذهبی قهستان مستلزم یک پژوهش جداگانه و مبسوط می‌باشد. اما با مروری بر جغرافیایی تاریخی قهستان و نقش ویژه قهستان و خراسان در تحولات دوران تاریخی و قرون ابتدایی اسلامی، به‌نوعی انزوای جغرافیایی این ناحیه را علل اصلی توجه به این ناحیه خواهیم دانست. این انزوا، قهستان را مکانی مناسب برای مأوا گرفتن مهاجران مفروض دانسته است. به نظر می‌رسد این انزوای جغرافیایی در سایر جریان‌های موازی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خارج از توافق حکومت اموی که در سده اول هجری در خراسان و جنوب آن آغاز شد، نقش بسزایی داشته است که در پژوهش پیش رو به واکاوی و بررسی بیشتر در این مهاجرت-ها با تمرکز بر مهاجرت زرتشتیان و نقش قهستان در روند این مهاجرت پرداخته می‌شود و سپس با بیان گوشه‌های تاریخی از آغاز و روند مهاجرت زرتشتیان و حضور آنان در قهستان به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- علل انتخاب قهستان به‌عنوان مقصد مهاجرت چیست؟
- انتخاب قهستان به‌عنوان پناهگاه و مأمن برای زرتشتیان را چگونه می‌توان به سایر مهاجرت‌ها به این خطه تعمیم داد؟

## ضرورت تحقیق

اگرچه به موقعیت ژئوپلتیک جنوب خراسان در طی پژوهش‌های اندکی، پرداخته‌شده است اما بسط فرآیند اهمیت جایگاه سرزمینی این خطه، در میان پژوهش‌های جغرافیای تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی ایران خالی به نظر می‌رسد. اهمیت پرداختن به جایگاه پناهگاهی و مهاجرت‌پذیری این خطه از آنجایی اهمیت خواهد یافت که تبیین مؤلفه‌های اجتماعی-اخلاقی ساکنان آنجا را به لحاظ وجوه تسامح و تساهل عقیدتی با دگر اندیشان را در طی تاریخ را حاصل خواهد کرد و از طرفی به روشن شدن خواص منطقه‌ای، اقلیمی جنوب خراسان کمک خواهد نمود. پس از بروندادهای علمی حاصل از پرداختن به این دغدغه‌ها که به بخشی از آن در این پژوهش اشاره شده، روند شناخت تاریخ اجتماعی و سیاسی منطقه قهستان را بیش‌ازپیش تسریع خواهد نمود.

## پیشینه تحقیق

پس از مطالعات در منابع مختلف، نکته‌ای که حائز اهمیت قرار می‌گیرد این است که در خصوص این مهاجرت و شرح و کیفیت آن از گذشته دور، تاریخ مدونی به نظم و نثر فارسی وجود ندارد. قدیمی‌ترین اثر مربوط به آن، رساله‌ی اندکی است به‌صورت نظم که مشهور به قصه سنجان می‌باشد که سراینده‌ی آن به بهمن کیقباد موسوم است. قصه سنجان که بعد از دگرگونی بنیان‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ساسانی نوشته‌شده و از معدود آثار زرتشتیان، بعد از حمله اعراب است. قصه سنجان حاوی روایت مهاجرت پارسیان به هند و مصائب و مشکلات سفر و انگیزه‌های مهاجرت می‌باشد. روایت موجود که نسل به نسل منتقل‌شده است اشارتی دارد به یک سده سکونت زرتشتیان در جبال جنوب خراسان و اعمال فشار علیه آن‌ها که منجر به حرکت ایشان به سمت جزیره هرمز شد. تاریخ‌نویسانی چون بلاذری(۱۳۶۷) و حمزه اصفهانی(۱۳۷۹) نیز با تکیه بر قصه سنجان به شرحی از این مهاجرت پرداخته‌اند. از منابع نخست که بگذریم و به پژوهش‌های صورت گرفته بپردازیم به کتاب رشید شهمردانی(۱۳۶۲) برمی‌خوریم که با عنوان *فرزانگان زرتشتی* اشاراتی به مهاجرت زرتشتیان داشته و پس از آن تألیف سدار نگانی(۱۳۵۵) در باب پارسیان هند پژوهش‌هایی صورت داده است که تحت کتابی با عنوان *پارسی‌گویان هند* در دهه پنجاه شمسی منتشر شده است. اینوسترانتسیو(۱۹۳۸) پژوهشگر دیگری است که در ژورنال رویال آسیاتیک مقاله‌ای با عنوان *مهاجرت زرتشتیان در تواریخ بلاذری و حمزه اصفهانی* پرداخته که به‌حق یکی از کامل‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در این موضوع است. فرهنگ ارشاد (۱۳۷۹) نیز کتاب موجزی در *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند* به نگارش درآورده که مجموعه‌ای است از آنچه که در متن ذکر شد. همچنین مقالات دیگری نیز توسط م.س ایرانی با عنوان *قصه سنجان (۱۳۶۱) یا تاریخ فرضی مهاجرت پارسیان از خراسان به هند* و مقاله‌ی *افسانه مهاجرت زرتشتیان به هند*

*(۱۳۸۹)* که توسط سید مهدی موسوی نیا به چاپ رسیده هر دو به بررسی میزان صحت‌وسقم قصه‌ی مهاجرت از خراسان به هند پرداخته‌اند که به سهم خود در تفسیر و تعبیر قصه سنجان جایگاه مناسبی را داراست. که در این پژوهش سعی خواهد شد با استفاده از منابع و مأخذ موجود، تحلیلی مبتنی بر روش‌شناختی در جهت تکمیل مسیر شناخت مهاجرت زرتشتیان به جنوب خراسان، ارائه شود.

## روش‌شناسی

ماهیت این پژوهش نظری است و روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می‌باشد. در طی مراحل پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و مدارک موجود در جهت روشن‌شدن این موضوع بهره جسته شده. ازآنجایی‌که روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی – تحلیلی است، لذا پس از بررسی کتب و منابع و پژوهش‌های صورت گرفته در باب جایگاه ویژه‌ی قهستان در مهاجرت بزرگ زرتشتیان، به تحلیل داده‌ها و روشن شدن فرضیات پرداخته‌شده است. در پایان مؤلفه‌های مهم توجه به قهستان به‌عنوان یک پناهگاه امن و یک مقصد مهاجرت روشن می‌شوند. مهم‌ترین ابزار گردآوری داده نیز در این پژوهش نیز مشمل بر کتابخانه‌ای بوده که سعی شده از تمامی منابع معتبر و مرتبط با موضوع استفاده شود.

## منطقه قهستان

قُهِسْتان (کهستان) نام تمام سرزمینی است که در مرکز فلات ایران و در جنوب خراسان واقع‌شده و منطقه کوهستانی گسترده‌ایست که تمام استان خراسان جنوبی و همچنین شهرستان‌های طبس، کاشمر، تربت‌حیدریه، خواف، گناباد و تایباد را در برمی‌گرفته است. این سرزمین به دلیل کوهستانی بودنش به نام قهستان یعنی کهستان (کوهستان) خوانده‌شده است.

برای واژه قهستان که گاهی به‌صورت قوهستان نیز در متون قدیمه دیده‌شده، دو معنی ذکر کرده‌اند. برخی قهستان را معرب کوهستان دانسته و وجه‌تسمیه آن را در ارتباط با وضعیت کوهستانی منطقه عنوان نموده‌اند. به‌عنوان مثال، در کتاب برگزیده مشترک، (حموی،۱۳۸۰، ۵۵). قهستان معرب کوهستان بیان‌شده و آمده: قهستان معرب کوهستان است. برخی از دانشمندان هم واژه قهستان را به همین صورت فارسی دانسته و عقیده دارند که قه به‌صورت قو، کهن و که هم به کاررفته و در مناطق خشک و کویری به معنی آبی است که حفر چاه و قنات به دست می‌آید. بنابراین در مناطق کویری مانند کرمان، یزد، اصفهان و خراسان جنوبی آبادی‌هایی که فاقد رودخانه بوده و آب آن‌ها منحصراً به‌وسیله چاه و قنات تأمین می‌شده، مجموعه آن را قهستان می‌نامیدند. در یک جمع‌بندی از نظرات موجود در خصوص وجه‌تسمیه قهستان، می‌توان اذعان نمود که در اکثر مراجع و متون، قهستان به معنی کوهستان به کار برده شده. در کتاب معروف حافظ ابرو ، قهستان چنین بیان شده‌است: «ولایت قهستان عریض و طویل است. دور آن قریب صد فرسخ زیادت باشد. شرقی آن ولایت خواف است و غربی آن بیابانی است. غرب آن فارس و کرمان و شمال آن اعمال نیشابور و سبزوار است. جنوب سجستان. قهستان مشتمل بر چند قصبه و ناحیت بزرگ است از جمله قاین، جنابذ(گناباد)، بیرجند، تون (فردوس امروزی)، زیرکوه قاین، بجستان، نهارجان، طبس گیلکی (شهرستان طبس یزد)، رقه، شاخن، فشارود، مومن آباد، ترشیز، طبس مسینان و خوسف، قصبه بزرگ قهستان یکی قاین است».

ناصرخسرو در بازگشت از سفر دور و دراز خود از تون و جنوب گناباد عبور و در شهر قاین اقامت نموده و از اهمیت این منطقه سخن گفته‌است. شاید حیات سیاسی و اجتماعی قهستان در چندین دوره‌ی خاص در بین کتب تاریخی از آن یادشده باشد. یا حضور لشگری نیرومند به‌قصد فتح، یا هجوم همسایگان و به وجود آمدن یک حکومت مرکزی نیرومند و البته تأثیرگذار بر روند فضای سیاسی دوران خود. در جریان بررسی روند اهمیت قهستان در دوران مختلف طبعاً به دوران صفوی می‌رسیم. جایی که با منصوب شدن اسماعیل‌خان خزیمه به حکومت قهستان، این ایالت به‌تدریج تقسیم‌شده و ولایت قاینات شکل گرفت. در این دوران قاین مرکز این ایالت بود. از اواخر دوره صفوی و با استقرار خاندان خزیمه در بیرجند و تا به امروز این شهر مرکز ایالت قهستان و استان خراسان جنوبی کنونی گردید.

منطقه قهستان که امروزه بخش‌های عمده آن در محدوده خراسان جنوبی واقع‌شده، در دوره‌های تاریخی مختلف یک واحد جغرافیایی مهم و شناخته‌شده مطرح بوده و حدود آن تقریباً با محدوده کوهستانی ایران انطباق داشته است. تقسیم‌بندی مناطق جغرافیایی بر مبنای عوامل و فاکتورهای مشخص و معینی در طی دوره‌های تاریخی وجود داشته است. این تقسیم‌بندی‌ها عمدتاً بر ساختارهای طبیعی و انسانی مناطق، منطبق بوده ( شاطری، ۱۳۸۵، ۴۹).

## قهستان و اهمیت امنیت جغرافیایی (پناهگاهی تاریخی)

در دوره فتح ایران توسط اعراب، قهستان از جهت اینکه دروازه ورود سپاهیان اسلام بود، اهمیت یافت. آسان‌ترین راه دسترسی به سیستان از شمال غرب و شمال، یعنی از راه قهستان یا هرات و اسفزار (یکی از شهرهای قدیمی افغانستان) بود. به گفته مداینی دسته‌های مهاجم در خلافت عمر نخست به قهستان و دو واحه استوار لوت که طبسین خوانده می‌شد رسیدند (شاطری، ۱۳۸۵، ۴۹).

موقعیت پناهگاهی قهستان را ریچارد فرای در کتاب میراث باستانی ایران ذکر می‌نماید، یک بخش پناهگاه دیگر که کوچک‌تر بود در مشرق ایران قرار داشت و آن در صدر اسلام قهستان نامیده می‌شد و امروزه در مرز ایران و افغانستان واقع است. در این نقطه کوه‌ها به بلندی بخش شرقی‌تر آن نبودند و زمین نیز به کم‌حاصلی بخش‌های جنوبی نبود (فرای، ۱۳۵۸، ۱۳).

قهستان را شاید در طی تاریخ بتوان جز نقاطی از ایران محسوب نمود که همواره نقش یک پناهگاه امن را بر عده داشته است. اگرچه عوامل مختلفی در تداعی این ویژگی مؤثر است اما شاید بتوان دوری از مسیرهای اصلی، موقعیت خاص جغرافیایی و سختی‌های خاص اقلیمی‌اش را دلایل این نقش مهم دانست و به طبع آن عدم دسترسی راحت برای حکومت مرکزی یا مخالفان و یا دشمنان مهاجران را محتمل دانست. تا پیش از ورود اسلام همواره خراسان مهاجرت گاه مخالفان مذهبی و سیاسی ساسانیان بوده و در قرون بعد و پس از ورود اعراب همواره این جایگاه خود را حفظ نموده است. سپس با مهاجرت زرتشتیان به این ناحیه ادامه می‌یابد پس از آن می‌توان به قهستان عصر اموی به‌عنوان بخشی از گستره‌ی خراسانی که معترضین به حاکمیت امویان را در خود جای‌داده اشاره داشت. همچون قیام ابومسلم که ترکش‌هایی از آن به جنوب خراسان به خاطر تعقیب و گریزهای داعیان قیام وارد شد و یا قیام *استاذسیس* که از مسیر جنوب خراسان و از مبدأ هرات آغاز گردید. و همچنین می‌توان از قیام *به‌آفرید* نام برد که اساساً از جنوب خراسان و از زوزن شکل گرفت.

بررسی قهستان در عصر اموی از آنجایی دارای اهمیت می‌شود که جنبش‌های هم‌عصر با مهاجرت زرتشتیان به این منطقه مورد بررسی قرار بگیرد. خلافت اموی از چند جهت برای قهستان حائز اهمیت است: در این دوره فتوحات به‌سوی سرزمین‌های شرقی ایران گسترش یافت. طوایفی از عرب به نقاطی از ایران، مخصوصاً سیستان، خراسان، مهاجرت کردند و به‌زودی قدرت و ثروت بسیار یافتند و در تحولات ایران در این عصر و آغاز قیام ضد اموی صاحب نقش شدند و مهم‌تر از همه، رفتارهای سیاسی و اجتماعی عرب گرایانه امویان نسبت به غیر عرب‌ها، مخصوصاً ایرانیان بود. گرچه به سبب پیشینه پرشکوه ایرانیان در امور اداری و کشورداری، خلفای اموی خود را بی‌نیاز از آن‌ها نمی‌دیدند، اما نژادگرایی آن‌ها سبب شد تا ایرانیان، که اعراب آن‌ها را موالی و بندگان، می‌خواندند، به مقابله برخیزند و غالباً با شیعه و گروه‌هایی که بر حکومت خروج می‌کردند خوارج به مفهوم عام و خاص همداستان شوند، کوشش‌های ضد اموی ایرانیان دوام یافت، چنان‌که وقتی زید در اواسط خلافت اموی قیام کرد، ایرانیان خراسان به او پیوستند و آنگاه‌که زید کشته شد، پسرش یحیی پناهی جز خراسان ندید و چندی بعد ابومسلم قیام کرد. جنبش‌هایی مانند شعوبیه و زنادقه در عراق با دهقانان خراسان مرتبط شدند و مجموع این جریان‌ها با نهضت‌های موازی دیگری در خراسان به هم پیوستند. خراسان اواخر عصر امویان، نه‌تنها برای نشر دعوت سری شیعه به کانونی مناسب تبدیل شد، بلکه دنباله این دعوت‌ها مانند توابین، زیدیه، کیسانیه، هاشمیه و غیره که غالباً موالی خواهان آن بودند در منطقه خراسان گرد آمد و پیشرفت کرد (بجنوردی،۱۳۹۴، ج ۶، ۱۱۱-۱۰۸). همچنین می‌توان به اسماعیلیان اشاره داشت که در قرون بعدی، این نقطه را به‌عنوان یک مقصد برای مهاجرت و پناهگاه انتخاب می‌کنند.

### قصه سنجان

بهمن کیقباد که موبدی گمنام از اهالی نواساری[1] بود در سال ۱۰۰۷هجری قمری/ ۱۵۹۹ میلادی، کتابچه‌ای به‌صورت شعر فارسی به نام قصه سنجان عرضه کرد. این قصه ارتباط چندانی با تاریخچه یا اوصاف دهکده کوچک سنجان واقع در گجرات ندارد. منظومه مزبور، تاریخی فرضی از زمان سقوط ساسانیان که شاهنامه در آنجا به پایان می‌رسد، تا تسخیر حکومت فرضی هندوان در سنجان توسط سلطان محمود، ششمین حاکم مسلمان و مستقل گجرات (۱۵۱۱-۱۴۵۹ م) به دست می‌دهد و دوره‌ای در حدود هشت قرن را دربرمی گیرد. نوشته اصلی مؤلف اکنون در دسترس نیست، اما چند نسخه از آن باقی است و دست‌کم سه نسخه در کتابخانه‌های مختلف بمبئی وجود دارد. نخستین ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۸۴۲م صورت گرفت و در همان سال در مجله سلطنتی آسیایی، شعبه بمبئی انتشار یافت (ایرانی، ۱۳۶۱، ۲۶۹). غیر از قصه سنجان هیچ‌گونه شاهدی وجود ندارد که حاکی از وجود اثری مکتوب یا روایتی شفاهی

درباره تاریخچه پارسیان از هنگام ترک ایران به‌قصد اقامت در هندوستان باشد و پیش از تاریخ نوشتار قصه سنجان مربوط گردد (ایرانی،۱۳۶۱،۲۷۰).

اما سنجان بنا به روایات مختلفی، منطقه‌ای واقع در جنوب خراسان است و بر طبق نظریات جغرافی‌دانان دوران اسلامی بخشی در حوالی خواف است. در گویش محلی اهالی خواف این نام را سنگون وسنگویه به کسر اول تلفظ می‌کنند . مقدسی آبادی‌های هم نام این محل را در مرو و رجاب سنجان خوانده است (مقدسی، ۶۱۱۳ ، ۵۲). اما آنچه که در این پژوهش با نظر محکم‌تری توجه شده، سنگان خواف است. قوی‌ترین اعتبار درنامیدن آن به سنگان وجود معادن عظیم سنگ‌آهن در محل است که نام خود را به قصبه و شهر داده است که ابتدا سنگ‌آهن و کم‌کم به‌صورت سنگان درآمده است. (شاطری، ۱۳۸۵، ۴۹). حمدا.. مستوفی در نزهۀ القلوب این محل را به نام سنجان یا سنگان از قصبات و توابع خواف معرفی می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۳ ، ۲۷)

## مهاجرت زرتشتیان

فارغ از مهاجرت‌هایی که زرتشتیان ایران در زمان امپراتوری هخامنشی و ساسانی به هند کرده‌اند، به گواه تاریخ، پس از برافتادن سلسله ساسانی و فتح ایران به دست اعراب، گروهی از زرتشتیان زادگاه خود را به مقصد هند ترک نموده‌اند و یا به بیان برخی منابع به آنجا پناهنده شدند (چوپتا، ۱۹۷۳، ۴۶۰) بر اساس برخی پژوهش‌های صورت گرفته، مانند پژوهش اینوس ترانت سف زمان مهاجرت همان‌طور که بیان شد در نیمه‌های قرن هشتم میلادی است و او احتمال می‌دهد که آن‌ها از سواحل جنوبی ایران به‌ویژه هرمز و میناب ایران را ترک نموده‌اند (اینوسترانتسیو، ۱۹۳۸، ۷۰-۳۳).

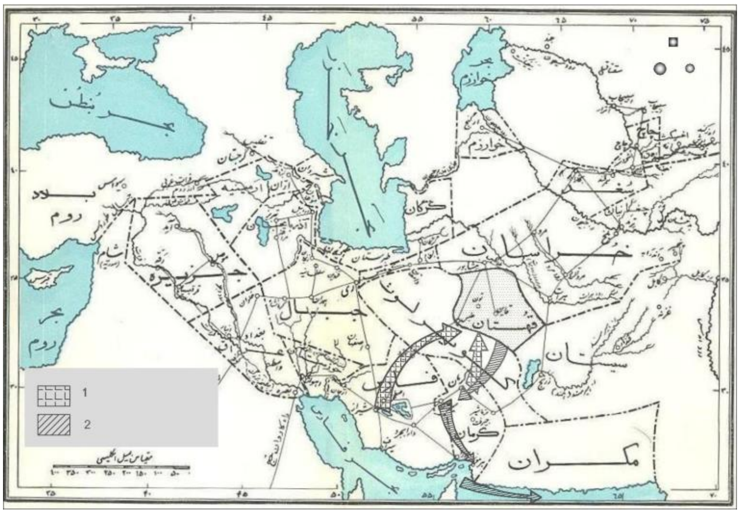
درباره تعداد افراد مهاجر به‌صورت قاطع نمی‌توان سخن گفت. برخی منابع آنان را دسته‌ی کوچکی از زرتشتیان ذکر می‌کنند و برخی دیگر آن‌ها را صدها هزار زرتشتی می‌نامند. اگرچه این کوچ به‌صورت زنجیره‌ای بود و مدت‌ها ادامه یافت، ولی به‌سختی می‌توان پذیرفت که امواج اولیه آن شامل جمعیت‌های چند صدهزارنفری بوده است. می‌توان گفت در میان گروه‌های نخستین کوچندگان، بیشترین افراد از طبقات بالای حاکمیت ساسانی، افراد نخبه و رهبران مذهبی بوده‌اند (ارشاد،۱۳۷۹، ۱۴۶).

برخی از خاورشناسانی که بر روی مهاجرت پارسیان به هند مطالعه کرده‌اند، معتقدند که این جریان مهاجرت یک‌دفعه نبوده، بلکه این جریان چند بار و به‌صورت گروهی از خراسان انجام‌گرفته است. از جمله‌ی آن دانشمندان می‌توان به جکسون اشاره کرد که معتقد است اولین موج مهاجرت مربوط به سال ۹۴ هجری قمری، مصادف با شصت و پنجمین سال مرگ یزدگرد سوم است. وی اعتقاد دارد دسته دوم ایرانیان به سال ۱۵۳ هجری قمری خارج شدند (ایرانی، ۱۳۶۱، ۶۰). درباره مبدأ آغاز این مهاجرت، آنچه که به آن اشاره بسیار شده، این مطلب است که مهاجران زرتشتی در ابتدا به ولایت قهستان رفتند و پس حدود از صدسال زندگی در این منطقه به جزیره هرمز کوچ می-کنند و در آنجا بعد از سپری کردن پانزده سال در نهایت به هند سفر می‌کنند (سایکس، ۱۳۳۶، ۳۱۲). دراین‌باره پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته که این روایت را تأیید می‌کنند. در این میان پژوهش اینوس ترانت سف بر این مطلب صحه می‌گذارد که قهستان، محل سکونت نزدیک به یک قرن زرتشتیان در راه سفر به هند بوده است (اینوسترانتسیو، ۱۹۲۲، ۵۰). اگر چه که قصه سنجان داستان مهاجرت گروهی از زرتشتیان ایران پس از گشوده شدن ایران به‌وسیله مسلمانان به هندوستان است اما بر اساس این کتاب که صحبت از سکونت یک‌صد ساله زرتشتیان در قهستان دارد، می‌توان این نکته را مطرح نمود که این سکونت دراز مدت پدید نمی‌آید، مگر در سایه‌ی وجود امنیت و آرامش خاطر برای این مهاجران. همان‌طور که پس از خروج از قهستان به درگیری‌های آنان با مسلمانان اشاراتی شده است. پس از خروج مهاجران از قهستان، به‌تدریج به‌سوی جنوب شرقی ایران کوچ کرده، سرانجام پس از زد و خوردی که با اعراب داشتند شکست خوردند و در جزیره هرمز پناه گرفتند، اما اعراب پس از اندک زمانی به این جزیره نیز دست یافتند. زرتشتیان به‌ناچار با کشتی راه هندوستان را پیش گرفتند و نهایتاً به‌سلامت به هند رسیدند. آنان در سرزمینی که سکونت گزیدند آن را به یاد سرزمین ازدست‌رفته‌شان، سنجان نامیدند (زینالی، کبیری، ۱۳۹۰، ۱۲). دایره المعارف بزرگ اسلامی نیز با صراحت به نام قهستان اشاره‌ای نشده و صرفاً پناه جستن زرتشتیان در نواحی کوهستانی را مورد نظر قرار داده است. با توجه به توضیحات قبلی در باب اینکه "کوهستان" همان قهستان است ، این نوشته ،محل مهاجرت یا معبری برای مهاجرت بودن قهستان را تقویت می‌کند: «گروهی از زرتشتیان که حدود یک قرن، در نواحی کوهستانی پناه جسته بودند به شهر هرمز در کرانه‌های جنوبی ایران رفتند و پانزده سال در آنجا ماندند و سپس با کشتی راهی هند شدند» (بهرامی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ۵۰۶).

مقام و جای و باغ و کاخ و ایوان
همه بگذاشتند از بهر دینشان
به کوهستان همی‌ماندند صدسال
چو ایشان را بدین گونه شده حال
(زینالی ، کبیری، ۱۳۹۰، ۱۴)

در آثار برخی از نویسندگان صدر اسلام نیز به سنجان ایران و مسیر مهاجرت پارسیان به هند اشاره می‌شود، حمدالله مستوفی در نزهه القلوب، سنجان یا سنگان را از توابع خواف معرفی می‌کند (مستوفی، ۱۳۶۳، ۳۹). گویا سنجانی که زرتشتیان در هند بنا نموده و در آن سکنی گزیده‌اند، به یاد سنجانی در ایران بوده.اگر همان‌طور که مؤلف قصه سنجان می‌گوید، آن‌ها شهر جدیدی را که در بیابان ساختند که در محلی ویران و به دور از شهر موجود سنجان قرار داشت، به همان نان سنجان خواندند، باید بپذیریم که در قلمرو حکومت *جادی رانه* و جانشینانش دو شهر به نام سنجان وجود داشت (ایرانی،۱۳۶۱، ۲۷۳). حال با توجه به این نکات در یافته خواهد شد که وجود سنگان یا سنجان در منطقه خواف در ایالت قهستان، این گمان را قوت می‌بخشد که این همان سنجان مذکور باشد.

این نکته قابل ذکر است که همزمان با مهاجرت زرتشتیان ساکن قهستان، کوچ اعراب به سمت خراسان اتفاق افتاده است. مرور قصه سنجان نشان می‌دهد که در شروع قرن دوم هجری آغاز مهاجرت زرتشتیان از قهستان بود. همزمان با حرکت زرتشتیان از قهستان، اولین جابه‌جایی بزرگ مسلمانان عرب به خراسان در آغاز نیمه دوم قرن اول هجری قمری صورت گرفت. در منابع تاریخی ذکر شده است که در سال ۵۲ هجری قمری زیاد ابن ابی سفیان پنجاه‌هزار سپاهی را با خانواده‌هایشان روانه خراسان کرد (شالچی، ۱۳۷۵، ۱۵۶). البته پیش از این زرتشتیان سیستان آنجا را تقریباً تخلیه کرده بودند.




**تصویر ۱. مسیرهای احتمالی ورود مهاجران به قهستان – از کرمان، شیراز و یزد- مسیر مهاجرت از قهستان به جزیره هرمز ( لسترنج، ۱۳۷۳، ۸۱). شماره ۱: مسیر رفت / شماره ۲: مسیر برگشت**

از برجسته‌ترین موارد تاریخ زرتشتیان، مهاجرت بخش اعظمی از آن‌ها به‌سوی کشور هندوستان است که بعدها به پارسیان هند معروف شدند. در مورد مهاجرت ایرانیان به هندوستان، دو فرضیه مطرح‌شده:

– مهاجرت اعتراضی زرتشتیان: پس از ورود اعراب به ایران بخش اعظمی از ایرانیان مسلمان شدند، اما برخی از زرتشتیان مخالفت کردند و به دلیل فشارهای وارده از جامعه، مالیات‌های هنگفت و سانسورهای اجتماعی مجبور به مهاجرت شدند و به‌تدریج به سمت هرمز کوچ نموده در آنجا ماندگار شدند (کیقباد بهمن، ۱۳۶۱، ۱۲).

– مهاجرت مسالمت‌آمیز زرتشتیان: حرکت زرتشتیان نه از سر اجبار یا فرار، بلکه کاملاً مسالمت‌جویانه جلای وطن کردند تا در سرزمینی دیگر بتوانند هویت دینی خود را انتشار دهند و فضایی ایده آل تر از موقعیت فعلی خود فراهم آورند.

ویلیامز هزف نیز مهاجرت زرتشتیان ساکن قهستان را نه اجبار بلکه وضعیت نامساعد زمان و ترغیب در ساخت آینده‌ای بهتر می‌داند (موسوی نیا، ۱۳۸۹، ۶۳). نکته‌ی مهم دیگر اینجاست که

به واقع نمی‌دانیم که زرتشتیان از همان ابتدا نیت سفر به هند را داشته‌اند و اگر این‌طور در روایات چیزی آماده است که حدود یک قرن در این منطقه سکنی گزیدند. بنابراین متوجه می‌شویم که یا قهستان آن‌قدر توانسته رضایت خاطر آن‌ها را جلب نماید که این سفر را تا یک قرن به تعویق بیاندازند و یا به واقع قهستان مقصد آرمانی و نهایی آنان بوده و در این صورت می‌شود، آن عده‌ای که در نهایت به هند می‌روند را که تنها قریب به دو کشتی (بنا بر گفته روایات) به هند سفر می‌کنند را ناراضیان از شرایط کشور نامید.

## نتیجه‌گیری

در هر الگوی کوچ، مهاجر برای گزینش مقصد یا کوچگاه خویش، کم یا بیش از خواست و اراده‌ی خود پیروی می‌کند. یعنی هر اندازه عنصر اجبار در جریان کوچ نیرومند باشد، باز هم احتمالاً اراده‌ی کوچنده در گزینش کوچگاه تأثیر خواهد داشت. بدیهی است این نظریه شامل تبعید یا مهاجرت‌های صرفاً سیاسی نمی‌شود. چرا که تبعیدها غالباً به‌عنوان مجازاتی برای مجرمین شناخته می‌شوند. بنابراین و با توجه به آنچه در خلال مباحث به آن پرداخته شد. فارغ از اجبار و یا خواست جمعی زرتشتیان برای مهاجرت، این انتخاب ناحیه قهستان است که حائز اهمیت واقع می‌شود. نکته اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که به واقع چرایی اینکه، قهستان به‌عنوان مقصد برگزیده می‌شود را باید از چند جهت بررسی نمود:

اول اینکه ناحیه قهستان بنا به دلایل مذکور، از جهت جغرافیایی و اقلیمی دارای شرایط خاصی است که همواره از پیش از اسلام، مأمن و پناهگاه اقلیت‌های سیاسی، مذهبی جامعه ایران بوده است. شواهد باستان‌شناسی و تاریخی بسیاری گواه حضور اقلیت‌های مختلفی در این ناحیه می‌باشند که بر امن بودن منطقه، لااقل از گزند مخالفان، دشمنان و حاکمان دلالت دارد. این مجموعه شرایط را که ما *انزوای جغرافیایی* می‌نامیم، می‌تواند یکی از دلایلی باشد که باعث بوجود آمدن مهاجرت‌های بزرگی در طی تاریخ به این سرزمین شده است. در تشریح اصطلاح انزوای جغرافیایی باید به شاخصه‌های اقلیمی و جغرافیایی این منطقه به خوبی دقت نمود. دوری و بعد مسافت زیاد از مراکز اصلی حکومتی، قرار نداشتن در مسیر راه‌های ارتباطی مهم بازرگانی، سختی و صعب‌العبور بودن مسیر برای سفر به دلیل وجود مناطق کوهستانی و کویری خاص و دیگر اینکه، فارغ از اهمیت بودنِ این ناحیه برای حکومت‌های مرکزی همواره بر منزوی بودن قهستان افزوده است.

دوم اینکه شاید به واقع بتوان در تاریخ منطقه‌ی خراسان نوعی تساهل و تسامح مذهبی را جستجو کرد. همین مهاجرت‌ها و حضور اقلیت‌های مذهبی در منطقه دلیلی بر اثبات این مدعاست. اگر در مهاجرت‌های صورت پذیرفته به این ناحیه دقت کنیم به‌خوبی به این نکته خواهیم رسید که عمدتاً توسط اقلیت‌های مذهبی در ادوار مختلف تاریخی انجام‌گرفته. اینجاست که با توجه به تعدد پا گرفتن نهضت‌های اپوزیسیونی[4] در برابر حکومت‌های مرکزی در خراسان پذیرش این واقعیت که شاید در منطقه خراسان سوای علت انزوای جغرافیایی‌اش، نوعی تسامح مذهبی از سوی ساکنین خراسان را جستجو نمود. این امر را از دیرباز تا حتی امروزه نیز، در پراکنش مذاهب و فرق مختلف در خراسان، بدون هیچ‌گونه تضادی می‌توان جست.

به هر حال و با توجه به ذکر دلایل مهاجرت به جنوب خراسان یک فرضیه مطرح می‌گردد که قهستان در حدود یک قرن جامعه‌ی امن و آرمانی برای زرتشتیان مهاجر از دیار خود بوده است. این پژوهش با مطالعه جایگاه قهستان تاریخی را در گزینش مسیر مهاجرت و همچنین تداوم سکونت مهاجران زرتشتی به نتایجی دست پیدا کرد که بخشی از آن با علل حضور و مهاجرت سایر اقلیت‌های مذهبی و سیاسی نیز در ادوار مختلف تاریخی مشترک‌اند.

## منابع


۱. ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹)، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول

۲. اصفهانی، حمزه بن الحسن (۱۳۴۶)، تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران‌زمین،، تهران، چاپ اول.

۳. ایرانی،م س (۱۳۶۱)، قصه سنجان: یا تاریخ فرضی مهاجرت پارسیان از خراسان به هند، ترجمه محمدباقری، مجله چیستا، آبان ۱۳۶۱ شماره ۱۳: ۲۶۸تا ۲۷۹.

۴. بجنوردی، محمدکاظم موسوی(۱۳۹۴)، تاریخ جامع ایران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، چاپ نخست.

۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر نقره، تهران.

۶. بهرامی، عسکر (۱۳۸۳)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران.


---

[4] مجموعه نهضت‌های مخالف نظام سیاسی حاکم که یا درصدد براندازی نظام حاکم می‌باشند و یا در جهت اصلاح و اعتراض به آن در دوران مختلف تاریخ ایران، به ایفای نقش می‌پرداختند. پس از نهضت‌های دینی-سیاسی دوران ساسانیان در شرق، غالب این نهضت‌ها در دوران اموی و عباسی در خراسان بزرگ شکل می‌گیرد که البته پس از آن در دوران اسماعیلیان نیز به نحو دیگری جریان دارد.

۷. حافظ ابرو (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح و تعلیق غلامرضا ورهرام، انتشارات اطلاعات، تهران.
۸. حموی، یاقوت (۱۳۸۰)، معجم البلدان، ترجمه علی‌نقی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
۹. زینالی، محمدباقر، کبیری، سید تقی (۱۳۹۰)، پارسیان هند در اشعار قصه سنجان، بهارستان سخن، شماره ۱۷.
۱۰. سایکس، پرسی (۱۳۶۶)، سفرنامه سر پرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
۱۱. سدارنگانی، هرومل (۱۳۵۵)، پارسی‌گویان هند و سند، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، چاپ نخست.
۱۲. شاطری، مفید (۱۳۸۵). گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان ، *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶
۱۳. شالچی، نسرین (۱۳۷۵)، " فتح خراسان به دست مسلمانان و استقرار آنان" ، مجله مشکوه، شماره ۵۰.
۱۴. شهمردان، رشید (۱۳۶۲)، فرزانگان زرتشتی، انتشارات فروهر، تهران.
۱۵. فرای، ریچارد (۱۳۹۳)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
۱۶. کیقباد، بهمن (۱۳۵۰)، قصه سنجان، ویراسته هاشم رضی، سازمان انتشارات فروهر، تهران.
۱۷. لسترنج، گای (۱۳۷۳)، تاریخ سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، چاپ اول.
۱۸. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۳)، نزهه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاحتی، انتشارات طهوری، تهران.
۱۹. مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه نبی منزوی، شرکت مؤلفان و ترجمان، تهران.
۲۰. موسوی حاجی، سید رسول، خادمی ندوشن، فرهنگ ، هاشمی زرج آباد، حسن (۱۳۸۸)، ژئوپولیتیک تاریخی قهستان در دوره اسلامی، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ – شماره ۵: ۱۷۱تا ۲۰۱.
۲۱. موسوی نیا، سید مهدی (۱۳۸۹)، افسانه مهاجرت زرتشتیان به هند، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۹.
22. Chopta, P.N (1973), The Gazetteer of india, Ministry of Education and social welfare, Government of India. 3 vols.
23. Inostrantsev, c (1938), Baladuri andhamza Isfahani on the Migration of Parses, Journal of the Royal Asiatic Society, pp.7-84.
24. Inostrantsev, c (1922), The Emigration of the parsis to india and musulman world in the middle of the 8th century, translated by L.Bogdanov, Journal of the K.R coma Oriental institute, No.2. Pp.33-70.